

فقط آمریکا مقصر است؟

روحانی دیروز مشکلات اقتصادی را گردن تحریم ها انداخت

رئیس جمهور نباید به جای آمریکا دولت را سرزنش کند

حسن روحانی، رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت صبح گذشته در آستانه دهه فجر و چهلمین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی با حضور در مرقد بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با آرمان های امام خمینی (ره) تجدید میثاق کردند.

رئیس جمهوری، عبد بزرگ چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را به آن روح بلند و ارواح طیبه شهدا و به ملت بزرگ ایران و همه مسلمانان و علاقه مندان و عاشقان انقلاب اسلامی تبریک و تهنیت گفت.

روحانی در سخنان خود در کنار مرقد مطهر و شریف امام راحل، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران گفت: «برخی نباید تفسیر نادرست کنند، امروز مشکلات ما عمدتاً به فشار آمریکا و اذنان آنها در این کشور برمی گردد، کسی نباید به جای

محکوم کردن آمریکا، دولت خدمتگزار یا نظام بزرگ اسلامی را مورد سرزنش قرار دهد. آمریکا در مبارزه اخیرش با ملت ایران که از دی ماه سال گذشته شروع شد از لحاظ سیاسی، حقوقی، بین المللی، منطقه ای و جنگ روانی در داخل کشور، شکست خورده و همچنین از لحاظ اقتصادی هم با همت مردم، ایستادگی و ایثار مردم قطعاً دچار شکست می شود.» وی خاطرنشان کرد: «همه دنیا به جز چند کشور در این مبارزه اخیر آمریکا و تهاجم آنها علیه عزت ملت ایران از این کشور پشتیبانی و آمریکا را محکوم کردند، آمریکا تنها بدعهد نسبت به ایران نیست، رئیس جمهوری بیان کرد: «اشتباه آمریکا یک، دو یا سه مورد نیست، کسی نگوید دولت ایران برابر دیگران به مذاکره نشست، اما پیش بینی نمی کرد که یکی از آنها بعد از دو سال صداقت، امتانداری و وفای به عهد خود را زیر پا بگذارد.»

ضعیف ترین تیم اقتصادی

مدیریت کشور را بر عهده گرفته است

رحمان سعادت

اقتصاددان و عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه سمنان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره دشمنی و عداوتها نسبت به ایران وجود داشته و یکی از ابزار مورد استفاده دشمنان، تحریم بوده است؛ بنابراین تحریم پدیده جدیدی در کشور نیست، اما باید به این نکته توجه کرد که مردم در انتخابات سال ۹۲ به دولتی رای دادند تا با عمل به وعده های خود، اقتصاد کشور را در شرایط تحریم از هرگونه آسیب مصون دارد، اما معتمد ناکارآمدی تیم اقتصادی دولت به قدری بوده که نتوانسته اقتصاد کشور را برای روزهای تحریم بیمه کند. دولت با انتخاب های اشتباه و انتصاب برخی مدیران نالایق بر امور اقتصادی کشور، شرایط کنونی کشور را پدید آورد و این شرایط هیچ ارتباطی به تحریم ها و دشمنی های آمریکا علیه ایران ندارد. اگر دولت بخواهد ناکارآمدی خود را در پوشش تحریم ها توجیه کند، بی شک ضربه مهلکی به اقتصاد کشور وارد کرده است. به جرات می توان گفت ضعیف ترین تیم اقتصادی در دولت دوازدهم، پرسرکار آمد که هیچ کدام کارنامه موثقی در مدیریت اقتصادی کشور برجای نگذاشتند و اکنون مردم تاوان اشتباهات سیاستگذاران را باید بپردازند. شرایط کنونی اقتصادی را نمی توان به عنوان «مشکلات اقتصادی» بیان کرد بلکه باید از آن به «شرایط اورژانسی» تعبیر شود. بدیهی است وقتی شرایط به وضعیت اورژانسی می رسد باید قوی ترین تیم های متخصص تا قبل از آنکه اقتصاد کشور به کما برود، اقتصاد را احیا کنند.



دولت توان اصلاح ساختار

اقتصادی کشور را ندارد

وحید شقایق شهری

اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی تهران

مقام معظم رهبری پس از اعمال تحریم های سال ۹۰، سیاست های اقتصاد مقاومتی را ابلاغ کردند. هدف از ابلاغ این سیاست ها این بود که مدیران، اقتصاد کشور را برابر آسیب های وارده مقاوم کنند و با

تدابیر خود، کشور را از وابستگی به اقتصاد نفتی نجات دهند. در واقع قرار بود دولتمردان با اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی کشور را در مقابل تکان های داخلی و خارجی استوار سازند، اما متأسفانه دولت یازدهم سیاست های ابلاغی را جدی نگرفت و در نتیجه اکنون کشور تاوان بی توجهی دولت به مقاومت سازی

اقتصاد را پس می دهد. پرواضح است که آمریکا با شناخت اقتصاد ایران از نقاط ضعف آن استفاده کرده و از همان نقطه ضریبات خود را به اقتصاد کشور وارد می کند؛ از وابستگی کشور به نفت، عدم توسعه شرکای تجاری، وابستگی به برخی کشورهای محدود در حوزه تجارت، واردات محور بودن اقتصاد ایران و از نقاط فراوان دیگری که دولت باید در فرصت های از دست رفته آنها را تقویت می کرد.

همه اتفاقاتی که سال ۹۰ در اقتصاد کشور رخ داد، بار دیگر تکرار شده در حالی که در پنج سال گذشته فرصت مناسبی برای تقویت ساختارهای اقتصادی کشور وجود داشت. بی تردید اگر اقتصاد کشور مقاوم شده بود، وضعیت کنونی کشور این گونه نبود. به نظر می رسد دولت جرات و توان اصلاح ساختاری نظام اقتصادی کشور را نداشته و از این توانایی خود را تحت پوشش تحریم ها توجیه می کند. بخش عمده ای از مشکلات کشور سالیان سال است که وجود دارد

و ارتباطی به بیرون مرزها ندارد. وقتی دولت حاضر نیست با فساد و رانت مبارزه کند، وقتی حاضر نیست اصلاحات نهادی انجام دهد و وقتی توانایی شفاف سازی ندارد، اقتصاد کشور روز به روز شکننده تر می شود.



در انتخاب مدیران کشور به

خطا رفته ایم

ابوالقاسم حکیمی پور

اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه علامه

متأسفانه مسئولان کشور از مردم و بطن جامعه فاصله زیادی گرفته اند. در شرایطی دیده می شود برخی روسای جمهور در کشورهای توسعه یافته، با وسایل نقلیه عمومی یا خودروی شخصی

به محل کار خود، دانشگاه یا میان مردم می روند، دولتمردان ما حتی از مهم ترین اتفاقاتی که در سطح جامعه رخ می دهد، بی اطلاع هستند، لذا گمان می کنم در انتخاب مدیران کشور به خطا رفته ایم. دولت در فروردین ماه امسال نرخ دلار را به صورت دستوری ۴۲۰۰ تومان اعلام کرد. سپس ۱۸ میلیارد دلار ارز دولتی در اختیار کسانی قرار گرفت که

نه تنها هیچ گونه وارداتی انجام ندادند بلکه ارز دولتی را در بازار آزاد و به نرخ روز فروختند. آن عده که با ارز دولتی، اجناسی را به کشور وارد کردند، با دوبرابر آنها به طمع کسب سود بیشتر، موجب ایجاد آشفتگی در بازار کشور شدند. آیا این موارد، دستاورد تحریم است؟ آیا افزایش بیکاری، فقر، افزایش قیمت ها و هزاران مشکل داخلی کشور، زائیده تحریم های آمریکاست؟ وقتی با دستور وزیر، قیمت خودروهایی داخلی ۶۰ درصد افزایش می یابد، آیا چنین سوء مدیریت ناشی از تحریم های آمریکاست؟ معتقد هستم بسیاری از دولتمردان و به خصوص شخص رئیس جمهور هیچ گاه در جریان تحولات اقتصادی در لایه های مختلف جامعه نیستند. نکته قابل توجه اینکه وقتی مشکلات اقتصادی افزایش می یابد و رئیس جمهور به واسطه بی تدبیری و سوء مدیریت تیم اقتصادی خود از مردم عذرخواهی نمی کند، چگونه می توان به بهبود اوضاع اقتصادی کشور امیدوار بود؟ مگر نه این است که عذرخواهی کردن بابت اشتباهات، جزئی از فرهنگ مدیریتی است.



ریشه مشکلات کشور

برجام نبود

حیدر مستخدمین حسینی

اقتصاددان و کارشناس مدیریت اشکال اساسی از جایی شروع شد که موضوع برجام در دولت یازدهم شکل گرفت و مذاکرات درخصوص توافق هسته ای انجام شد. متأسفانه مهم ترین اشتباه دولت در آغاز مذاکرات برجام این بود که دولت تمام تخم مرغ های

اقتصادی خود را در یک سبد به نام برجام قرار داد و در نتیجه از برنامه ریزی اقتصادی در حوزه های مختلف جا ماند. دولت به جای پرداختن به موضوعاتی مانند اصلاح ساختارهای بازارهای کشور، اصلاح نظام بانکی و بیمه ای، تمرکز بر بهبود فضای کسب و کار، هدایت درست بازار طلا و ارز و به طور کلی پرداختن به مشکلات داخلی کشور، همه راه ها را به سوی برجام سوق داد و همه امور را معطوف به اجرای برجام کرد. همین سیاست نادرست موجب شد زمان از دست برود و فرصت های طلایی بکی پس از دیگری سوخت شود. اما متأسفانه برجام توانست بر مشکلات کشور فائق آید، چرا که ریشه مشکلات جای دیگری غیر از برجام بود. لذا با تصور وجود یک دشمن فرضی و انداختن همه مشکلات به گردن او، چالش های اقتصادی کشور همچنان به قوت خود باقی ماند.



نقش «مدیریت» در دولت یازدهم چیست؟

بیژن عبدی

اقتصاددان و استاد دانشگاه

با روی کار آمدن دولت یازدهم، دولتمردان همواره عملکرد اقتصادی دولت گذشته (دولت دهم) را محکوم کرده و با عناوینی مانند کاهش فروش نفت، افزایش میزان تورم، افزایش بیکاری، گرانی در دولت دهم، بی تدبیری دولت گذشته را عامل مشکلات عمده اقتصادی دانستند، اما اکنون همان کسانی که به عملکرد دولت دهم خرده می گرفتند و انتقاد می کردند، اقتصاد کشور را با بی تدبیری خود به شرایطی بدتر از گذشته رسانده اند. باید از دولتمردان پرسید چطور زمانی که پای بهره برداری های سیاسی در میان بود، مدیریت دولت های گذشته را به یاد انتقاد گرفتید اما مشکلات کنونی را محصل تحریم های آمریکا می دانید؟ کشور در دوره های گذشته نیز دچار تحریم های چه بسا شدیدتر نیز بود، اما از نگاه دولت های یازدهم و دوازدهم همه مشکلات اقتصادی نتیجه بی تدبیری و سوء مدیریت دولتمردان گذشته بوده است. یادمان نرفته است زمانی که دولت یازدهم تلاش می کرد برجام را به جامعه ایران تحمیل کند، حل همه مشکلات اقتصادی را مشروط به تحقق برجام می دانست، اما وقتی با اجرای برجام همچنان مشکلات اقتصادی کشور لاینحل باقی ماند، دولت نگاه خود را به برجام تغییر داد و حل اختلافات سیاسی را هدف اصلی برجام عنوان کرد. دولت در سال های اخیر بارها وعده داد که با اجرای برجام، دروازه های کشور روی جهان باز خواهد شد و اقتصاد ایران به دوران شکوفایی خود می رسد. بنابراین اگر قرار بود با اجرای برجام وضعیت کشور بهبود پیدا کند، تاکنون این اتفاق رخ داده بود، اما وقتی شرایط اقتصادی خوبی قرار ندارد و گرانی و تورم بیدامی می کند، می توان نتیجه گرفت سوء مدیریت و ناتوانی در بهره برداری از فرصت ها، مشکلات کنونی کشور را رقم زده است.

تاریخ کشور نشان می دهد در دوران هشت سال دفاع مقدس، وضعیت کشور به مراتب از حال حاضر وخیم تر بود؛ همه کشورها مقابل ایران قرار داشتند، تولید داخل به شدت ضعیف شده بود و حتی برای ادامه مقابله با دشمن، فشننگ و سیسم خاردار نیز از طریق واردات تأمین می شد، اما مدیریت درست و کارآمد، رضایت مندی عمومی را به همراه داشت.

به جرات می توان گفت دولت به بهانه تحقق برجام ۶ سال از وقت خود و مردم را تلف کرد، تولید داخل را به نابودی کشاند، صنایع داخلی ورشکسته و بیکاری و فقر روز به روز بیشتر شد. آیا می توان آمریکا و تحریم ها را عامل همه این مشکلات دانست؟ اگر قرار است با رفع تحریم ها اوضاع بهبود یابد و با اعمال تحریم ها شرایط نامساعد شود، پس نقش مدیریت دولت در این میان چیست؟



تدبیر درستی برای مدیریت

کشور اندیشیده نشده

سید مرتضی افقه

اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اروز

اوضاع حال حاضر کشور نتیجه بی تدبیری دولت ها در سه دهه گذشته است، چرا که دولت های گذشته و همچنین دولت کنونی نتوانسته اند کشور را از وابستگی به نفت برهانند. در یک دهه اخیر فرصت های طلایی بسیاری در کشور حیف و میل شد که در صورت تدبیر درست و بهره برداری صحیح از آن می توانست پایه های اقتصادی کشور را مقاوم کند. معتمد در نظام سیاسی فعلی، دولت به عنوان قوه مجریه تنها ۳۰ درصد قدرت مانور و تاثیرگذاری بر اقتصاد کشور را دارد و قوه مقننه و قضائیه نیز در به وجود آمد ساختار کنونی به همان اندازه نقش دارند.

بدیهی است تحریم بر هر کشوری که اعمال شود، تاثیر خود را بر اقتصاد کشور خواهد گذاشت، اما باید دید چرا تحریم های ایران تا این اندازه می تواند تاثیرگذار باشد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت در سال های اخیر به رغم شعارهای فراوانی که سر داده شده، اما هرگز تدبیر درستی برای مدیریت کشور اندیشیده نشد. تا زمانی که اقتصاد کشور وابستگی شدید به نفت دارد، کوچک ترین اتفاقات نیز می تواند آسیب های جدی به کشور وارد کند. متأسفانه دولت دوازدهم، دولت مقتدر با وزرای کارآمد برای مدیریت کشور نبوده است.



اقتصاد ایران به مثابه دمل های چرکین است

داوود سوری

اقتصاددان و استاد دانشگاه صنعتی شریف

گمان نمی کنم وجود فساد گسترده در کشور با افزایش بی حد و اندازه نقدینگی بی ابی انضباطی پولی و مالی دولت نشأت گرفته از تحریم های آمریکا باشد. اینکه ناتوانی ها و سوء مدیریت های خود را به گردن دیگران بیندازیم و اقدامات آنها را عامل اصلی وضعیت اقتصادی کشور بدانیم، دور از انصاف است و نشان از بی تدبیری مدیران دارد. آنچه می توان در مورد شرایط کنونی کشور گفت این است که اوضاع کشور همانند دمل های چرکینی است که با کوچک ترین فشاری سرازیر می کند و اطراف خود را آلوده می سازد؛ لذا به نظر می آید، شیفت های آمریکا علیه ایران بهانه خوبی برای فرار از بار مسئولیت نیست. این گونه رفتارها صرفاً نوعی فرافکنی است.



دولتمردان، مقصران اصلی

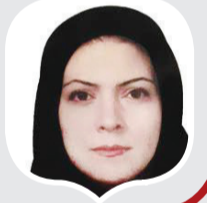
بحران اقتصادی کشور

پرویز جاوید

عضو انجمن اقتصاددانان ایران

با توجه به اوضاع اقتصادی کشور باید گفت سهم دولت در بروز این شرایط بیش از ۷۵ درصد و سهم تحریم ها کمتر از ۲۵ درصد است. به عبارت دیگر دولت در به وجود آمدن بحران های اقتصادی کشور نقش اصلی را بازی می کند؛ چرا که رئیس جمهور و تیم اقتصادی او هیچ گونه استراتژی مشخصی برای مدیریت کشور در نظر ندارند، همین امر موجب می شود برای مثال مدیریت سازمان برنامه و بودجه به شخصی سپرده می شود که هیچ عملی در حوزه برنامه ریزی ندارد. آیا اقتصاد کشور با وجود چنین مدیرانی می تواند اوضاعی بهتر از این داشته باشد؟ من اعتقادی به تاثیرگذاری تحریم ها بر اقتصاد کشور ندارم و بر این باورم که خودتخریمی و تحریم های داخلی بیش از هر امر دیگری بر اقتصاد کشور تاثیر می گذارد.

ناگفته نماند تحریم های داخلی نیز نشأت گرفته از ناآگاهی و نداشتن علم مدیریت در حوزه های مختلف است. در این میان صحبت های این چنینی رئیس جمهور و مقصدراستن آمریکا در به وجود آمدن شرایط کنونی کشور، بیشتر شبیه یک لطیفه است تا واقعیت! وقتی شخصی بدون در اختیار داشتن یک برنامه مدون و اساسی و تنها با شعار، رای مردم را جلب می کند، بدیهی است که اوضاع بهتر از این نخواهد بود.



اقتصاد کشور

سیاست زده است

نارسیس امین رشتی

اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

متأسفانه فضای کنونی جامعه ما فضایی است که به شدت بی اعتمادی به دولت و در آن موج می زند و متأسفانه مدیران کشور نیز روز به روز بر این بی اعتمادی دامن می زنند. باید بپذیریم اکنون کشور بیش از آنکه از دشمنان خارجی متحمل خسارت و زیان شود، از برخی افراد داخلی ضربه می خورد. کشور ما یک کشور سیاست زده است که مسائل ریز و درشت آن تحت تاثیر مسائل و جناح بندی های سیاسی قرار می گیرد.

بشر است این گونه بیان شود که مساله اقتصاد ایران تنها به خود اقتصاد ارتباط ندارد، چرا که اقتصاد در ایران جزء فرآیندهای سیاسی قرار می گیرد، لذا زمانی که تصمیمی در سیاست گرفته می شود، اقتصاد نیز ناخواسته تحت الشعاع قرار می گیرد.

مدیریت اقتصادی کشور باید به دور از هرگونه شعارزدگی، جناح بندی و سیاست زدگی تنها به فکر حل مشکلات اقتصادی کشور باشد در غیر این صورت در نبود تحریم ها نیز وضع بر همین منوال پیش خواهد رفت.

